

شکاف طبقاتی

(تفاوت / تبعیض / تداول / تکاثر)

دکتر حسین باهر

پیشگفتار

وجود طبقات طبیعی و اجتماعی، امری بدیهی و غیرقابل اجتناب است. به هر طریقی که حساب کنیم، بالاخره انسان‌ها از نظرهای مختلف با هم متفاوت آفریده شده‌اند و یا مختلف هستند. در قرآن هم آیات متعددی داریم که اشاره به وجود این طبقات می‌کند: وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً (۱۴) نوح (۷۱).

البته دو نکته اخلاقی را نیز در همه جا نتیجه‌گیری می‌فرماید:

۱. طبقات مختلف، موجبات معرفت آدمی را نسبت به یکدیگر فراهم می‌کنند.
۲. طبقات مختلف، ارزش نیستند، بلکه ارزش به پرهیزگاری افراد است: یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ، إِنَّا خَلَقْنَاكَ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكَ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ (۱۳) حجرات (۴۹).

علیرغم بالارفتن در آمد ملی نسبت به اول انقلاب، قربانیان خط فقر به مراتب بیشتر از قبل شده‌اند.

* صفحه ۵۸ / شماره ۶۵ / بانک و اقتصاد

۲. وَ رَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغُوكُم فِي مَا آتَاكُمْ (۱۶۵) انعام (۶).
۳. أَلرِّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ وَ بَمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ (۳۴) نساء (۴).
۴. تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (۲۵۳) بقره (۲).

بنابراین، همانگونه که ملاحظه می‌شود، خداوند از مراتب فضل خود (و نه براساس عدلش) بعضی‌ها را به بعضی‌ها برتری داده و متقابلاً تکالیفی را برای آنها معین فرموده است: تبعیض در مکتب، تبعیض در حکمت، تبعیض در جنسیت، تبعیض در رسالت.



© فرار مغزها، مملکت را از توان‌ها خالی می‌کند.

شکاف طبقاتی از نظر دینی

چه در قرآن کریم و چه در روایات اسلامی، صراحتاً اموری مانند تداول و تکاثر، حتی اگر ظاهراً از طرق صحیح هم بوده باشند، مطرود و مردود شناخته شده‌اند. در قرآن کریم می‌خوانیم: كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (۷) حشر (۵۹)، یعنی: و این که نباید ثروت در دست بعضی از اغنیای شما به گردش درآید. و یا از حضرت علی علیه‌السلام منقول است که فرموده‌اند: مَا رَأَيْتُ ثُرُوءَ مُؤَفَّرَةً وَ وَجَدَاتٍ فِي جَانِبِهَا

و اما مساله تبعیض، یعنی نابرابری پاره‌ای نسبت به پاره‌ای دیگر از انسان‌ها، اگر غیر عادلانه نباشد، روا و سازنده است.

در قرآن کریم چهار دسته تبعیض به صورت روا مطرح شده‌اند:

۱. وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ (۷۱) نحل (۱۶).

خود را به قناعت تخصیص داده و نکات بسیار پندآموزی را مطرح می‌فرماید.

جمهوری اسلامی ایران و شکاف طبقاتی

در اصول قانون اساسی و کلام امام و سایر مسوولان، مرتباً استراتژی استضعاف‌زدایی، تجمل‌ستیزی، مقابله با فشارهای مالی و آفت‌های اقتصادی ذکر شده است، ولی در عمل نه‌تنها فواصل طبقاتی کم نشده، بلکه طبقات جدیدی هم به طبقات مرفهین بی‌درد اضافه شده و منحنی توزیع عادلانه ثروت به طور وحشتناکی از مسیر عدالت فاصله گرفته است، یعنی ۸۵ درصد ثروت ملی نصیب ۱۵ درصد جامعه شده و برعکس ۱۵ درصد ثروت ملی بین ۸۵ درصد دیگر توزیع شده است.

البته ملاک دیگری هم وجود دارد و آن خط فقر است که علیرغم بالا رفتن درآمد ملی نسبت به اول انقلاب، قربانیان خط فقر به مراتب بیشتر از قبل شده‌اند. متأسفانه آمار و ارقام چندان معتبری هم در اختیار نیست و لذا یک دانشمند ناچار است بر اساس شمّ اجتماعی خود درباره مسایل اقتصادی صحبت کند. در هر صورت، می‌توان پذیرفت که:

۱. نظام اقتصادی هنوز سروسامان داده نشده و شکل خاصی به خود نگرفته است.
۲. مفصل‌های آسیب‌پذیر در مجموعه نظام اقتصادی - اجتماعی فراوان است.
۳. مدیریت‌های غیرتوانمند در مصادر امور اقتصادی، کار را تخریب کرده و سپس به گوشه‌ای خزیده‌اند.
۴. درآمد نفت، به عنوان مشکل‌گشای امور، هرگز اجازه نداده است که متولیان امور به اندیشه‌های اندیشه‌ورزان واقعی بگذارند و به همین دلیل است که در رأس مخروط‌های نهادهای اقتصادی، یک اقتصاددان وجود ندارد.

آسیب‌ها و پیشنهادها

آسیب‌های بلند مدت و کوتاه مدت و

حَقُّ مَصِيحٍ، یعنی: ندیدم ثروتی انباشته که نیافتم در کنارش حقی برداشته (روایت). اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ حَقِّي زُرْتُمُ الْمَقْدَارِ (۱ و ۲ تکاثر ۱۰۲) و در همین راستا است که پیامبر فرموده است: اَلْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ (روایت)، یعنی: حکومت با کفر باقی می‌ماند، ولی با ظلم باقی نمی‌ماند. و نیز در خطبه ششمیه از علی علیه‌السلام منقول است که فرموده‌اند: لَوْلَا حُضُورُ الْحَاظِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا اخَذَ اللهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ اِلَّا اِيْفَاؤُهَا عَلَى كَيْفِ ظَالِمٍ وَ سَعْبِ مَظْلُومٍ، لَا تُقِيْتُ حَبْلِهَا عَلَى غَارِبِهَا...، یعنی: اگر این بیعت عموم و نصرت خصوص نبود و این که خداوند از دانشمندان تعهدی نگرفته بود تا بر ظلم ظالم و مظلومیت مظلوم قرار نداشته باشند، هرآینه افسار شتر حکومت را بر گردنش می‌انداختم و...

و به همین دلیل است که حکومت حضرت بیش از پنج سال دوام نیافت و در تمام این دوران هم با مخالفان داخلی که موافق حیف‌ومیل بودند، به سر آمد.

راه چاره دوتا است: (۱) جلوگیری از مفاسد، (۲) اقامه مصالح.

شکاف طبقاتی در بینش عرفای ایرانی

عرفای ایرانی، زاهدپیشه بودند تا حق کسی را تضییع نکنند و توجه به درویشی داشتند تا خوی زیاده‌طلبی در انسان‌ها نضج نگیرد. در ادبیات ایران، کلمات قصار و اشعار بسیاری در مدح قناعت و ذم زیاده‌طلبی آمده است که با موارد زیر اکثراً آشنا هستیم: شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در سرای خود نگاشته است: «هرکس بدین سرای درآید، نانش دهید و از ایمانش مپرسید، چه آنکس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد، البته بر خوان ابوالحسن به نان ارزد.» حافظ شیرین‌سخن هم می‌فرماید:

ساقی، به جام عدل بده باده تا گدا

غیرت نیاورد که جهان پربلا کند
سعدی علیه‌الرحمه نیز بابتی از هشت باب گلستان

بی‌سروسامانی‌های اقتصادی بسیارند و از آن جمله می‌باشند:

۱. تورم که قدرت خرید کارکنان حقوق‌بگیر را می‌بلعد و ناراضی می‌تراشد.
 ۲. بیکاری که موجب هرز و هدر رفتن نیروهای انسانی می‌شود.
 ۳. فرار مغزها و سرمایه‌ها که آینده مملکت را از توان‌ها خالی می‌کند.
 ۴. فُشَل شدن نظام که دوست را ضعیف و دشمن را گستاخ می‌سازد.
- بدیهی است که اگر به فوریت با این مشکلات برخورد نشود، قطعاً آینده تاریکی در انتظار کشور خواهد بود. راه چاره هم دوتا است:
۱. جلوگیری از مفاسد.
 ۲. اقامه مصالح.
- و این دو، شدنی است، اگر رفتارها را تصحیح و ساختارها را اصلاح نماییم.

زنهار

ناهنجاری‌های اجتماعی همچون بیماری‌های جسمانی دارای دو بخش پیشگیرانه و پیگیرانه هستند، یعنی اگر مشکلات را پیشگیری کنیم، احتیاج به پیگیری نخواهد بود و اگر پیگیری‌های مراحل اولیه را به موقع طی کنیم، به مراحل ثانویه نخواهیم افتاد، مثلاً یک عفونت دهانی را می‌توان با شستشو برطرف کرد، ولی اگر این کار به موقع صورت نگیرد، کار به پنی‌سیلین و نهایتاً به جراحی می‌کشد و خلاصه اگر آن کار را هم نکنیم، قلب فاسد و حیات به ممت تبدیل می‌شود.

در امور اجتماعی و حکومتی هم بدن جامعه نیاز به بهداشت و بهداری دارد. اگر بهداشت به موقع صورت نگیرد، باید بهداری به میدان بیاید. در بهداری هم اگر به صورت اصلاحات رفتاری (Evolution) کار بهنجار نشود، بدون شک مساله به تغییرات ساختاری (Revolution) می‌انجامد.

ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.